ارزیابی انتقادی شاخصه‌های امر نمایشی در بناهای هنری- معماری و معماری عامه (۱۳۹۷-۱۳۸۷)*

سمیه نورائی**، هیرو فرکیش***، احمد میرزا کوچک خوشنویس****، محمد تاجی*****، حسین مرادی نسب******

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۹

چکیده

معماری مسکونی، تنها گفتار ادبی مبتنی برآرایه‌ها و فنون خاص نیست، بلکه نوعی زبان محاوره‌ای است که در واقع با همین زبان گفتاری، درونمایه‌ی تناقضات و تمایزات اجتماعی به‌نمایش گذاشته می‌شود. متغیر«امرنمایشی» از عوامل تأثیرگذار برکالبد معماری است. درک نسبت امرنمایشی با معماری، بخشی از درک نسبت فرهنگ و معماری است. ازطرفی، تفاوت گفتگوی محیط آکادمیک و روزمره، با ورود به تمایزی که در «زبان» خود را نشان داده، در قالب پوسته‌ی بنا به‌نمایش گذاشته شده است. تبیین این مقوله فرهنگی در دوگانه «نظر» و «عمل» برکالبد بیرونی معماری مسکن امروز کمک به فهم دقیق‌تری از آن برای مخاطبان، در جهت آسیب‌شناسی مسکن امروز ارائه خواهد داد. به‌همین جهت در پژوهش حاضر، به تبیین شاخصه‌های امرنمایشی و سپس ارزیابی آن‌ها بر کالبد بیرونیِ مسکن معاصر ایرانی پرداخته شده است. در این پژوهش با روش آمیخته، نخست برمبنای ادبیات پژوهش و تحلیل استدلالی وکیفی، تعداد هفت شاخصه پیشنهادی امرنمایشی بر کالبد بیرونی مسکن تبیین و سپس با استفاده از آزمون «مقایسه میانگین»، ارزیابی شاخصه‌ها در منتخب بناهای حوزه معماری‌های «نهاد هنری»، شامل بناهای برگزیده‌ی مسابقات معماری، و حوزه معماری‌های «عامه» به‌معنای معماری‌های بافت مصنوع جامعه، صورت گرفته است. گرداوری داده‌ها برای جامعه آماری دسته اول به‌روش کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری مدل هدفمند، و دسته دوم گرداوری داده‌ها به‌روش میدانی و نمونه‌گیری مدل هدفمند انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از تعداد هفت شاخصه امر نمایشی (نوگرایی، اسرافگر، منفرد، سلطه‌گر، بازاری، اغواگر، گسست از فرهنگ)، در پنج شاخص تفاوت معناداری میان بناهای این دو حوزه وجود داشته است؛ به‌طوری که اثرگذارترین شاخصه‌های امرنمایشی در حوزه اول یعنی شاخصه‌های «منفرد» و «نوگرایی»، کم‌اثرترین شاخصه در حوزه دوم بوده و برعکس، شاخصه‌های «گسست از فرهنگ» و «بازاری» که کم‌اثرترین شاخصه در حوزه اول بوده‌اند، به‌عنوان اثرگذارترین‌شاخصه در حوزه دوم قرار گرفته‌اند. این عدم هم‌سویی وضعیتی متعارض را نمایان ساخته به‌گونه‌ای که به‌نظر می‌رسد معماری‌های عامه تابع بناهای منتخب نهاد هنری معماری جامعه نبوده و این نهاد در شکل‌دهی کالبد بیرونی مسکن، «میدان» لازم –به زعم بوردیو- برای تبعیت عامه از خود را نداشته است.

واژگان کلیدی

امرنمایشی، اندیشمندان انتقادی، مسکن، بنای برگزیده مسابقات، بنای عامه

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان « ارزیابی مؤلفه‌های امرنمایشی در معماری مسکن معاصر ایرانی (جامعه مورد مطالعه شهرستان شاهرود)» به راهنمایی نگارندگان دوم و سوم و مشاوره نگارندگان سوم و چهارم در دانشگاه آزاد واحد سمنان است.

* دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران s_nourai@yahoo.com
** استادیار،گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران(نویسنده مسئول) hero.farkisch64@gmail.com
*** استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی وگردشگری، ایران a.m.khoshnevis@gmail.com
**** استادیار، گروه معدن، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران taji@Ymail.com
***** استادیار، گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران moradinasab_h@yahoo.com

ISSN: 2322-5602
©: IAUH

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

مقدمه

آشفتگی کالبدی در معماری شهرهای امروز ، مسئله‌ای است که حتی بیننده غیرمتخصص نیز از آن درک می‌کند. از طرفی تغییرات آشفته در عرصه معماری شهرها، بیشتر از آن‌که ناشی از ذائقه‌ای زیباشناختی و یا ضرورتی مبتنی بر اقتضاهای مهندسی معماری باشد، متغیری وابسته به عناصر فرهنگی و جامعه‌شناسی است (شصتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵). متغیر«امر نمایشی[۱]» از عوامل فرهنگی اثرگذار، در نسبت میان شکل مسکن با عناصر فرهنگی و جامعه شناختی است. در متون علوم اجتماعی مقوله امرنمایشی به فرایندی گفته می‌شود که در آن افراد برای دیگران (مخاطبین)، معنای وضعیت اجتماعی خود را نمایش می‌دهند. نخستین بار در سال ۱۹۵۹، امرنمایشی با موضوع «نمایش فرهنگی[۲]» با استفاده از مفهوم نمایش، به‌عنوان استعاره‌ای از تمایل به ظواهر فرهنگی در جوامع بروز یافت (William & Darity, 2008: 207). گافمن[۳] در کتاب «نمود خود در زندگی روزمره» مفهوم نمایش را به‌عنوان یک استعاره از تظاهرات فرهنگ غیرتئاتری بسط داده و معتقد است که افراد قادر به انتخاب هر نمایشی را که آرزو دارند نیستند، چراکه با توجه به زمینه و موقعیت خود در دنیای فرهنگی اجتماعی، دارای محدودیت می‌باشند (گافمن، ۱۳۹۶: ۲۷۰). بر همین اساس امرنمایشی که خود تابع امرفرهنگی است، متأثر از زمان و زمینه، لایه‌های مختلف فرهنگ مانند فرهنگ عرفی (مردمی)، فرهنگ نخبه (متخصصین) ، فرهنگ بیگانه (وارداتی) و فرهنگ ایده‌الی (دین و ملیت) را آشکار می‌سازد. این مقوله فرهنگی در سایر علوم، مانند علوم اجتماعی و روان‌شناختی و پژوهش‌های بینامتنی، ریشه در فرهنگ مصرفی جوامع و اهمیت دوچندان وجوه بصری داشته و غالباً در جهت افزایش منزلت اجتماعی، جامعه‌پذیری و دریافت تأیید دیگران بوده است. در حوزه معماری، «امرنمایشی» از عوامل اثر بخشی است که معماری را در نسبت با دیگری تعریف می‌کند (مراد از دیگری فرد نیست و می‌تواند یک نهاد مانند یک نهاد اجتماعی باشد). به بیان دیگر معماری زمانی که در نسبت با دیگری تعریف شود، در راستای تأثیر از فرهنگ و اجتماع خود را بازنمایش می‌کند. ازطرفی توجه به تفاوت گفتگوی محیط آکادمیک و روزمره، با ورود به تمایزی که در «زبان» خود را نشان می‌دهد، به معمار و غیر معمار و بحث سلیقه، تسری پیدا کرده که این پسند، در قالب پوسته‌ی بنا به‌نمایش گذاشته شده است. در ادبیات پست مدرن نخستین بار اسکات براون[۴] در مقاله خود با عنوان «آموختن از هنر عامه‌پسند[۵]»، بررسی دوگانه معماری‌های «روشنفکری[۶]» و معماری‌های «عامه[۷]« را برای تحلیل‌های معماری سیمای شهر بیان نموده است (Brown, 1973: 389). در ادامه وی با همکاری ونچوری[۸] و ایزنور[۹] در کتابی با عنوان «از لاس‌وگاس بیاموزیم»، نگره‌های پس‌زمینه‌ای هنر پاپ برای خوانش منظر شهری را به‌کار گرفته و با تأکید بر دوگانه‌ی معماری «اصیل و قهرمانانه[۱۰]» و معماری‌های «عادی[۱۱]»، خواستار این بوده‌اند که معماران پذیرای سلیقه و ارزش‌های مردم عادی باشند و در احترام قهرمانانه بناهای خود بزرگ‌نمایی کمتری داشته باشند (Venturi et al, 1977: 91). در همین راستا در پژوهش‌هایی به دو حوزه معماری‌های نهاد «هنری» و معماری‌های نهاد «حرفه‌ای» پرداخته شده است. در معماری‌های نهاد هنری تمامی آن‌چه به‌عنوان هنجار ازسوی آن به جامعه القا شده، در«درونِ» نهاد برای افراد معنی‌دار بوده، درحالی‌که برای افراد بیرون، نیاز به ترجمه معماران است. تمرکز نهاد هنری بر «ایده» و «کانسپت»، هم علت و هم معلول این خلق کاغذی در مقابل خلق واقعی فضاست (ناری قمی، ۱۳۹۴، ۶۸). در حالی‌که تمرکز معماری‌های نهاد «حرفه‌ای» بر ابزار، به‌ویژه تکنولوژی و هم‌چنین، باز نمودی از اقتصاد سود محور مدرن که در نتیجه از این‌رو نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه به مسأله را ترویج کرده است. این دوگانه معماری هنوز هم به‌عنوان پارادایم‌های اصلی دوران معاصر مطرح بوده، به‌طوری‌که آموزش معماری در تمام این پنج قرن متأثر از الگوهایی بوده که در این دو حوزه شکل گرفته و ترویج شده‌اند (همان، ۶۸).

ازاین‌رو پژوهش حاضر برآن است تا با تبیین شاخصه‌های متغیر امر نمایشی، نخست فهم دقیق‌تری از این مقوله فرهنگی برای مخاطبان ارائه داده و در ادامه میزان اثرگذاری و اثرپذیری این شاخصه‌ها در دوگانه «منتخب بناهای نهاد هنری معماری» و «معماری‌های عامه« سنجیده شود. پژوهش حاضر فارغ از معیارهای نقدِ زیباشناختی، به مقایسه و ارزیابی شاخصه‌ها میان دو حوزه دوگانه فوق پرداخته و در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که شاخصه‌های پیشنهادی امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن چیست؟ و دیگر این‌که کدام شاخصه‌ی پیشنهادی امرنمایشی بیشترین و کدام‌یک کم‌ترین اثرگذاری را بر کالبد بیرونی معماری مسکن منتخب این دو حوزه دارد؟ نهایتاً یافته‌های مستخرج از آزمون در بحث و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

با توجه به پژوهش‌های پیشین، در این بخش مفاهیم امرنمایشی مبتنی بر آراء اندیشمندان انتقادی بررسی و ارائه گردیده است. بنیامین[۱۲] «امر نو و بت‌کالا» را بت عصر جدید دانسته و در نظر او «مد»، امر همواره یکسانِ گریز از ملالت و دلزدگی در عصر جدید است. در پژوهشی با عنوان «والتر بنیامین و هنربازتولید پذیر» با هدف بررسی‌کارکرد «آئینی» و یا «نمایشی» هنر، به کنار رفتن منش آئینی هنر و جایگزینی منش

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

نمایشی آن اشاره شده است (کمالی و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۲۵). هم‌چنین در پژوهشی با عنوان «والتربنیامین: دگرگونی تجربه و خاطره در عصرجدید و کلان‌شهر مدرن» بیان شده که امر نو و بت کالایی در عصر جدید چیزها را صرفاً به اشیایی برای عرضه و نمایش تبدیل کرده است (تاج‌بخش، ۱۳۸۳: ۱۱). در این راستا پژوهش دیگری در حوزه معماری با عنوان «معماری رومی در مقابل معماری بومی» به بررسی انطباق معماری با فرهنگ بومی پرداخته و یافته‌ها نشان می‌دهد گرایش به معماری رومی در قیاس با معماری نئوکلاسیک غرب و نئوکلاسیک پیشین در ایران برداشتی کاملاً ظاهری و بدون هیچ مبنای اصولی بوده و نسبتی با اصل نداشته و خاستگاه آن مد، سوداگری و کالاشدن معماری، بدون توجه به معماری بومی ایرانی است (ظفرمندی و ایمانی، ۱۳۹۴: ۲۷).

وبلن[۱۳] با نظریه طبقه‌ی تن آسا و «مصرف تظاهری» یا همان مصرف اسرافی که از ضروریات فراتر می‌روند، تجمل‌گرایی را یک مضمون اساسی در بررسی علل مسائل اجتماعی دانسته است (گرونر، ۱۳۹۲: ۲). در اندیشه وبلن نتیجه هدف اسراف تظاهری و به‌دنبال آن قالب کردن زیبایی پولی به‌جای زیبایی هنری، چیزی جز تنوع بی‌پایان از پریشانی معماری و نشانه‌های زحمت پرهزینه نیست. درهمین راستا در حوزه علوم اجتماعی در پژوهشی با عنوان «از مصرف‌پایی تا حسرت مصرف»، از مهم‌ترین دلایل چگونگی شکل‌گیری فرایند چشم و هم‌چشمی در خرید و مصرف، جستجوی «موقعیت اجتماعی برتر» در «مصرف کالاها» و «نمایش» آن‌ها نزد دیگران، به عبارتی «مصرف تظاهری» شناخته شده است (ابراهیمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷). هم‌چنین یافته‌ها در پژوهشی با عنوان «رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی» نشان می‌دهد مسکن و محل سکونت آدمی، نشانی از خودِ فردی و اجتماعی وی را منعکس و نوع فردیت شکل گرفته انسان ایرانی معاصر، سبک زندگی او را رقم زده که این سبک زندگی بر زیستن در نوع خاصی از کالبد معمارانه تأثیر گذاشته (شصتی و فلامکی، ۱۳۹۳: ۱۱۷) به‌گونه‌ای که چنین فردیت متظاهرانه انسان ایرانی، متأثر از تفاوت آشکار آرزوها و امکانات وی، دنیای اجتماعی را به صحنه نمایشی فروکاهیده است (همان، ۱۳۳). در پژوهشی با عنوان «معماری مسکونی ایران امروز شهر تهران و پروبلماتیک فرهنگ از منظر جامعه شناسی»، نسبت میان شکل مسکن و معماری با عناصر فرهنگی و جامعه شناختی مورد تحلیل قرار داده که در این پژوهش «سبک زندگی» و «مصرف فرهنگی» عوامل مؤثر بر شکل مسکن امروز معرفی گردیده و به این مهم اشاره شده است که به‌دلیل قوام نیافتن مقوله‌ی فردیت انسان ایرانی، و به دنبال آن ضعف در مصرف آگاهانه، «انتخاب و مصرف» وی غالباً جنبه نمایشی دارد. به‌طور مثال نماها و دکوراسیون‌های داخلی، در عدم هماهنگی با فرهنگ و سبک زندگی، بیشتر ابزاری برای نمایش «موقعیت و طبقه‌ی اجتماعی» و رفیع‌تر نشان دادن آن به‌شمار می‌آیند (شصتی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۹).

در اندیشه بوردیو امرنمایشی یک سرمایه یا افزوده بر امر اصیل اجتماعی است که توسط مکانیزم‌های اجتماعیِ قطب‌های سرمایه (اعم از سرمایه مادی یا فرهنگی) ساخته و حفظ می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۳: ۲۳۸). وی به خودنمایی ناشیانه مصرف متظاهرانه اشاره نموده که نمایش ناشیانه‌ای از تجملات نسنجیده و نابجا برای کسب« تمایز» و تشخص است (همان، ۶۰). یافته‌ها در پژوهشی با عنوان «ازخود ناشکفته تا خودشکوفایی هنجاری هژمونیک» نشان می‌دهد زنان در مواجهه با دیگرانِ خودشکوفا با خودِ ناشکفته‌شان روبرو می‌شوند و با توجه به میل به خودنمایی در بستری چشم و هم چشمانه به فعالیت‌های هنری می‌پردازند تا بدین‌ترتیب «تایید» و «تعریف دیگران» را به‌دست آورند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۳). در حوزه معماری امینیان و عینی‌فر، در طرح پژوهشی با عنوان «دوگانه کیفیت و تجمل‌گرایی در معماری مسکن ایرانی»، خانه‌های قشر مرفه شهر تهران، در دو حوزه «نخبه‌گان طراح» و «کاربران» مورد بررسی قرار گرفته داده‌اند؛ این پژوهش مفهوم «سرمایه اقتصادی» از نگاه بوردیو در ایران را به «رانت» اقتصادی بورژوای ایرانی، و مفهوم «سرمایه اجتماعی» از نگاه بوردیو -که شامل سرمایه فرهنگی نیز می‌شود- را به قدرت «ایدئولوژی» و قدرت «سیاسی» در جامعه ایران، تبدیل و تفسیر نموده است. هم چنین به اهمیت قدرت «نمایش» و «الگوگذاری» قشر مرفه بر سایر اقشار جامعه ، به‌واسطه قدرت اقتصادی، و تأثیرگذاری بیشتر در زمانی که به قدرت سیاسی نیز نزدیک شوند، اشاره کرده و بدین ترتیب به توانایی تغییر شکل مسکن توسط این قشر در جامعه ایران پرداخته است (ارتباط شخصی، ۱۰ آبان ۱۳۹۷). در ارتباط با تأثیرپذیری معماری‌های عامه از قشر مرفه جامعه، می‌توان به تحقیق فرناندولا در شهر برزیلی بلوهوریزونته[۱۴] نیز اشاره کرد؛ یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد اغلب مالکان بناهای مسکونی، بیشترین تأثیر در فرم و نمای خانه‌های‌شان را از ارتباط با افراد متمکن و جلوه‌های معماری خانه‌های این قشر جامعه گرفته‌اند (گروت و وانگ، ۱۳۹۰: ۳۴۳).

باومن[۱۵] « اغواگری» را شاخصه فرهنگ نمایشی امروز دانسته است. در نظر او مصرف از اساس با نمایش پیوند خورده و در جهان پست مدرن دیگر نه نیاز و نه تمایل، نمی‌تواند مصرف را توجیه کند؛ این زندگی با «اغوا» هدایت شده است. با نوعی شیدایی حاصل از مصرف که محرک خواسته ها و آرزوهای فزاینده است (باومن، ۱۳۹۳: ۱۱۳). در پژوهشی با عنوان «مدرنیته، شهر و مصرف»، جایگاه مصرف در زیست جهان شهروندان تهرانی تبیین شده و به این نتیجه رسیده است که امروزه در شهر تهران، فراگذشتن از اتکا بر نیاز و کالاهای ضروری، و پیوند یافتن با میل و طلب، هویت شهر و شهروندان را شکل داده است (ذکایی و امیری، ۱۳۹۶: ۴۱). ازطرفی بودریار[۱۶] به «نمایش اشیا تحت

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

سیطره رسانه» در جامعه مصرفی امروز اشاره داشته، وی معتقد است امروزه افراد بیشتر از آن‌که با انسان‌ها در ارتباط باشند، به‌واسطه سیطره رسانه‌ها، با اشیا در ارتباطند (بودریار، ۱۳۹۳: ۱۳). در همین راستا پژوهشی با عنوان «مصرف نمایشی پوشاک و عوامل مؤثر برآن»، عوامل مؤثر بر مصرف نمایشی پوشاک را به ترتیب انگیزه «پیروی از دیگران مهم»، «پایگاه اجتماعی و اقتصادی» و «توجه به تبلیغات مصرفی رسانه‌ها» دانسته است (وزیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

دبور[۱۷] در کتاب خود با عنوان «جامعه نمایش» به «سرشت ویترینی و فراموشی تاریخ و نتیجتاً فرهنگ» در جامعه نمایشی اشاره دارد. وی جامعه‌ی متکی‌بر صنعت مدرن را از بنیاد نمایش‌گر می‌داند (دبور، ۱۳۹۲: ۵۵۷). در جامعه نمایش، تصاویر به جای اشیاء مصرف شده و تعیین نحوه بیان خود با مصرف اشیاء خاص، یک نکته مهم بوده و این امر مهم، نه در کارکرد بلکه در تصویر نهفته است زیرا در جامعه مصرف‌گرای معاصر، بینایی به مهم‌ترین حس انسانی تبدیل شده (صابون‌چی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۰). در حوزه معماری پژوهشی با عنوان «نگاهی انسان شناختی به نمای زیستگاهی»، به اهمیت نقش پوسته بیرونی مسکن در انتقال خواسته‌های درون‌ذات سازندگان بنا که ریشه در فرهنگ دارد، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد با نگاهی به کالبد بیرونی مسکن، نیاز فرد به حس «تعلق داشتن به جماعتی خاص» یا حتی حس «منحصر به فرد بودن» با بهره‌گیری از اصل «تمایز»، پوسته نما را به‌شدت تحت تأثیر سرمایه‌داری و کالایی شدن قرارداده است (فکوهی، ۱۳۹۸).

در جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان گفت مقوله فرهنگی امر نمایشی اساساً با فرهنگ مصرفی و بصری امروز جوامع پیوند خورده است. مقوله فرهنگی امرنمایشی در سایر علوم مانند علوم اجتماعی و روانشناختی بررسی‌های زیادی داشته و عموماً در راستای شرکت در تظاهرات بیرونی و اهمیت دوچندان وجوه بصری برای به‌دست آوردن «منزلت اجتماعی بیشتر»، «جامعه‌پذیری» و «تأیید دیگران» بوده است. عمده این تغییرات برخواسته از عوامل فرهنگی در حوزه معماری نیز ورود پیدا کرده، به‌طوری‌که در حوزه مسکن نیز علت عمده تغییرات ناهمگون در سیمای بیرونی، برآمده از عوامل فرهنگی و اجتماعی معرفی شده است. پژوهش حاضر سعی در ارائه فهم دقیق‌تری از مقوله فرهنگی امر نمایشی با سنجش این مقوله فرهنگی در دوگانه «نظر» و «عمل» بر کالبد بیرونی معماری مسکن دارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف آن، از روش آمیخته استفاده شده‌است. بدین منظور ابتدا به روش استدلالی و کیفی، شاخصه‌ها پیشنهادی امر نمایشی با استفاده از مؤلفه‌های امر نمایشی مبتنی بر اندیشه نظریه پردازان انتقادی استخراج، و سپس تکنیک مصاحبه و کدگذاری داده‌ها (به‌صورت انتخابی و محوری) دسته‌بندی شده و نهایتاً هفت شاخصه پیشنهادی امر نمایشی تبیین گردیده‌اند. در ادامه شاخصه‌های پیشنهادی امر نمایشی با استفاده از آزمون «مقایسه میانگین» بر کالبد بیرونی مسکن در دو جامعه آماری بناهای منتخب «نهاد هنری» و «عامه» ارزیابی، و درانتها یافته‌های آزمون تفسیر گردیده است.

تبیین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد مسکن در پژوهش پیشین نگارندگان، مؤلفه‌های امر نمایشی از منظر فکری اندیشمندان قطب انتقادی با فلسفه فکری هستی‌شناسی «تضاد دیالکتیکی» و اندیشمندان قطب غیر انتقادی با فلسفه فکری «ذات انگاری» تبیین گردیده است[۱۸]. از آن‌جایی که تلقی زبانی از معماری یک امر بدیهی نبوده و یک برداشت خاص فلسفی است، این پژوهش به تبیین و ارزیابی شاخصه‌های امر نمایشی مبتنی بر آراء اندیشمندان قطب انتقادی[۱۹] پرداخته است.

به زعم بوردیو در جوامع پیشرفته، همواره شاخصه‌هایی چون علم، زیبایی‌شناسی، سرمایه، فرهنگ، نیاز و خواست مردم برشکل مسکن تأثیرات ویژه‌ای دارند. لکن در کشورهای در حال توسعه –مانند ایران– تغییرات شکل مسکن به‌گونه دیگری ایجاد می‌شود؛ بروز «قدرت‌های اجتماعی»، «نیاز به تمایز»، عوض شدن برخی مفاهیم به‌واسطه «زندگی مدرن و سرمایه‌دارانه» و مفهوم خانواده که شکل سنتی‌اش در حال تغییر است یک رابطه یک‌طرفه بر شکل مسکن گذاشته به‌طوری‌که شکل‌گیری این معیارها و نمادها، تغییراتی در شکل مسکن ایجاد کرده است[۲۰]. فکوهی می‌گوید در کشور ایران پس از انقلاب به‌دلیل آثار گسترده جمعیتی و اجتماعی و تداوم سیل مهاجرت‌ها، رشد لجام گسیخته شهری به‌ویژه در سال‌های پس از جنگ، شهرها را به عرصه‌ای برای ظهور الگوهای بی‌محتوا و متظاهرانه معماری موردپسند گروه‌های نوکیسه فاقد هویت بدل کرده است (فکوهی، ۱۳۹۵). ناصری معتقد است هرگاه طبقه‌ای در جامعه ظهور کند که جایگاهش در میان سایر اقشار تعریفی نداشته باشد، ناگزیر برای تعریف خود سراغ طبقه بالاتر رفته و به هم‌شکلی با طبقه فرادست که نتیجه نمود آن در مسکن بیشتر به نمایش ثروت در ترازهای قابل دید همگان، هم‌چون نمای بیرونی ساختمان و یا تجهیزات تشریفاتی و تجملاتی در فضاهای داخلی بنا مانند فضای پذیرایی که بیشتر در دیدرس مهمان (تا خودی‌ها) است، ظاهر شده تا به این ترتیب خود را هم‌طبقه فرادستشان نشان دهند[۲۱] (ارتباط شخصی، ۱۲اسفند ۱۳۹۷).

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

پس از استخراج مؤلفه‌های امرنمایشی در اندیشه فکری صاحب‌نظران قطب انتقادی با استناد به پژوهش‌های محققین در جامعه ایران، شاخصه‌های پیشنهادی امرنمایشی تبیین گردیده، بدین صورت که ابتدا شاخصه‌های مبتنی بر مطالعات اسنادی شامل شاخصه‌های «نووارگی»، «متمایز»، «بازاری»، «نمادین»، «اسراف‌گر»، «برساخته»، «کوتاه مدت»، «اشرافی»، «منفرد»، «بنجل»، «سلطه‌گر»، «فاقد ایدئولوژی معنایی»، «فاقد تاریخ» و «اغواگر» به‌دست آمده و در گام بعدی داده‌های مستخرج از مطالعات، با استفاده از مصاحبه مجدداً بازنگری شده و داده‌های پرتکرار مشخص و دسته‌بندی گردیده، ازطرفی برخی شاخصه‌ها مفاهیم دیگر شاخصه‌ها را در برگرفته و از بازگویی مجدد آن پرهیز شده است. به‌طور مثال شاخصه «نووارگی» به‌جای «کوتاه‌مدت» و شاخصه «بازاری» به‌جای شاخصه‌های «برساخته» و «بنجل» دسته‌بندی و سپس کدگذاری داده‌ها انجام شده به‌طوری‌که شاخصه پیشنهادی «گسست از فرهنگ» جایگزین شاخصه‌های «فاقد ایدئولوژی معنایی» و «فاقد تاریخ» شده است. شاخصه‌های امر نمایشی مبتنی برمفاهیم آراء اندیشمندان قطب انتقادی بر کالبد مسکن در تصویر ۱ آمده است.

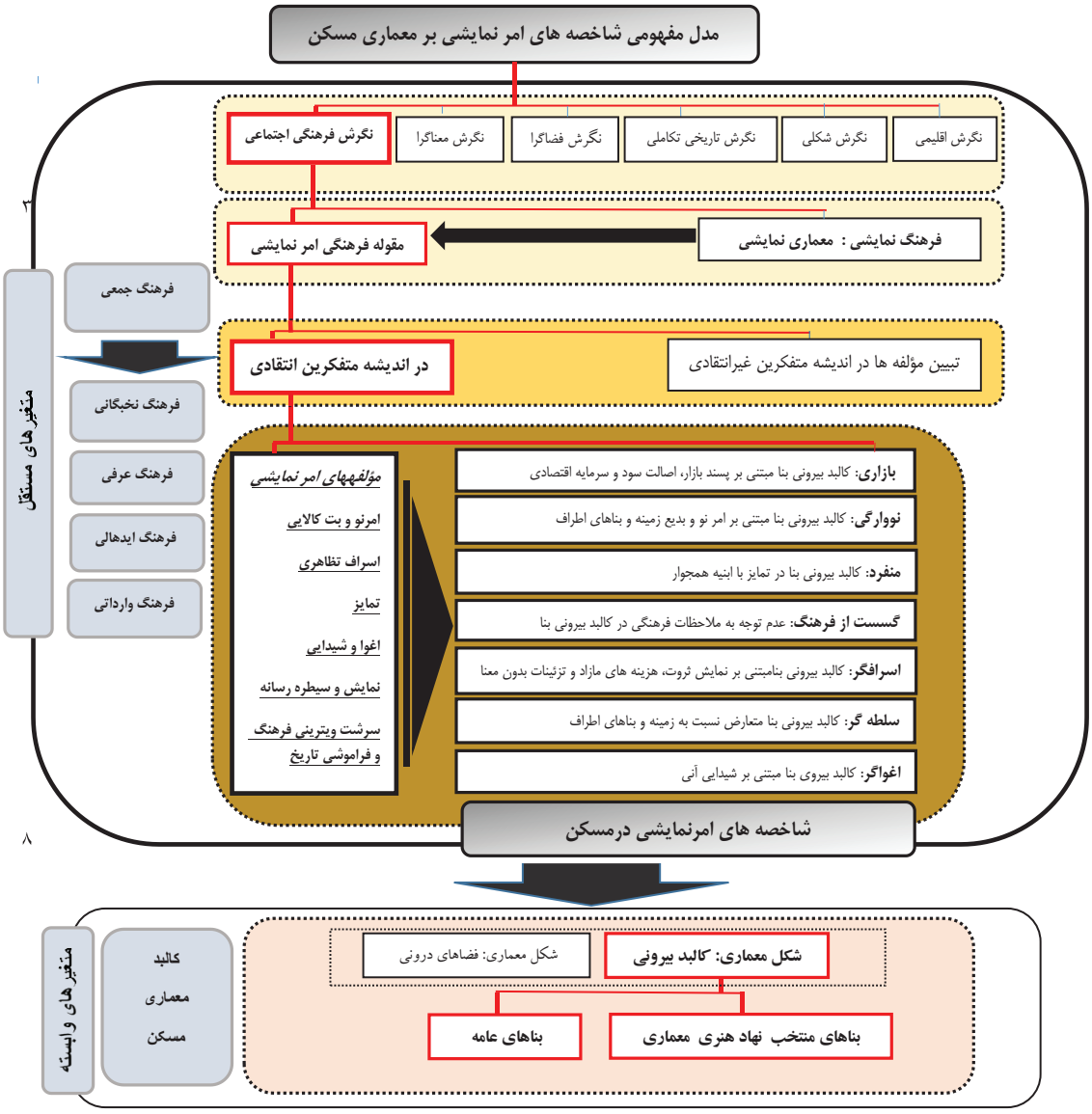


تصویر ۱- تبیین شاخصه‌های امر نمایشی مبتنی برمفاهیم آراء اندیشمندان قطب انتقادی

نهایتاً شاخصه‌های پیشنهای امر نمایشی به تعداد هفت مورد شامل «نووارگی (مبتنی بر امر نو و بدیع)، بازاری (مبتنی بر پسند بازار، سود و سرمایه اقتصادی)، اسراف‌گر (پرهزینه، پرتزئینات و مبتنی بر نمایش ثروت)، منفرد (در تمایز با زمینه و بناهای اطراف)، سلطه‌گر (متعارض به زمینه و بناهای اطراف)،گسست از فرهنگ (عدم توجه به ملاحظات فرهنگی)، اغواگر (مبتنی بر شیدایی آنی)» تثبیت شده است. مدل مفهومی شاخصه‌های امر نمایشی بر معماری مسکن در تصویر ۲ آمده است.

انتخاب جامعه آماری مورد تحلیل در دو دسته بناهای مسکونی منتخب معماری‌های نهاد هنری و معماری‌های عامه مورد بررسی قرار گرفته است. دسته اول جامعه آماری معماری‌های هنری به روش مطالعات اسنادی و نمونه‌گیری با تکنیک مدل هدفمند انجام شده که شامل بناهای مسکونی برگزیده مسابقات سالانه کشوری (در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷) در ایران است. از آن‌جایی‌که شهر تهران به‌دلیل موقعیت خاص این شهر که پایتخت بودن است اهمیت دارد و خواسته یا ناخواسته آن را به مدلی برای ایرانیان تبدیل کرده است و بسیاری از اتفاقات یا طرح‌های اجرا شده در آن، به سرعت به‌وسیله شهرهای دیگر کشور الگوبرداری می‌شود (فکوهی و دیگران ۱۳۹۵، ۴۹۰)، بناهای برگزیده از شهر تهران انتخاب شده است. جامعه آماری شامل تعداد صد بنای مسکونی بوده که تعداد بناها برای تهیه پرسشنامه مصور و مدل ارزشیابی به‌دلایل ذیل به چهل مورد کاهش یافته است؛ ابتدا به‌دلیل این‌که مقوله امر نمایشی در دیدگاهی مقایسه‌ای با بناهای اطراف قابل بررسی است درنتیجه آثار منفرد، به‌صورت تک‌ویلایی حذف گردیده‌اند، و دیگر این‌که بناهای مسکونی بلند مرتبه (بالای هشت طبقه) به‌دلیل دخالت سایر عوامل، مانند تأثیرگذاری ارتفاع طبیعی ساختمان از دید ناظر، حذف گردیده و درنتیجه در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه مصور از چهل بنا تنظیم و در اختیار هشت استاد دانشگاه در رشته معماری قرار گرفت. در این مرحله نیز به‌دلیل مشابهت بناهایی که ارزیابی یکسان داشته‌اند، تعداد مصادیق به بیست مورد تقلیل یافت.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]



تصویر ۲- مدل مفهومی شاخصه‌های امر نمایشی بر مسکن[۳۲]

انتخاب جامعه آماری مورد تحلیل در دو دسته بناهای مسکونی منتخب معماری‌های نهاد هنری و معماری‌های عامه مورد بررسی قرار گرفته است. دسته اول جامعه آماری معماری‌های هنری به روش مطالعات اسنادی و نمونه‌گیری با تکنیک مدل هدفمند انجام شده که شامل بناهای مسکونی برگزیده مسابقات سالانه کشوری (در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷) در ایران است. از آن‌جایی‌که شهر تهران به‌دلیل موقعیت خاص این شهر که پایتخت بودن است اهمیت دارد و خواسته یا ناخواسته آن را به مدلی برای ایرانیان تبدیل کرده است و بسیاری از اتفاقات یا طرح‌های اجرا شده در آن، به سرعت به‌وسیله شهرهای دیگر کشور الگوبرداری می‌شود (فکوهی و دیگران ۱۳۹۵، ۴۹۰)، بناهای برگزیده از شهر تهران انتخاب شده است. جامعه آماری شامل تعداد صد بنای مسکونی بوده که تعداد بناها برای تهیه پرسشنامه مصور و مدل ارزشیابی به‌دلایل ذیل به چهل مورد کاهش یافته است؛ ابتدا به‌دلیل این‌که مقوله امر نمایشی در دیدگاهی مقایسه‌ای با بناهای اطراف قابل بررسی است درنتیجه آثار منفرد، به‌صورت تک‌ویلایی حذف گردیده‌اند، و دیگر این‌که بناهای مسکونی بلند مرتبه (بالای هشت طبقه) به‌دلیل دخالت سایر عوامل، مانند تأثیرگذاری ارتفاع طبیعی ساختمان از دید ناظر، حذف گردیده و درنتیجه در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه مصور از چهل بنا تنظیم و در اختیار هشت استاد دانشگاه در رشته معماری قرار گرفت. در این مرحله نیز به‌دلیل مشابهت بناهایی که ارزیابی یکسان داشته‌اند، تعداد مصادیق به بیست مورد تقلیل یافت.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

از آن‌جایی که شهر دوم (جامعه آماری دوم) نباید اثرگذار و یا الگو برای سایر شهرها باشد، به این دلیل شهرهای خرد در اولویت نسبت به کلان‌شهرها (کلان‌شهرها قدرت الگو گذاری دارند) قرار گرفت. از طرفی توجه به هفت شاخصه امرنمایشی که در تحقیق به‌دست آمده برای انتخاب شهر دوم ضروری بوده است. مانند داشتن سابقه شهریت سنتی شهری بدین معنا که شهری نوظهور نباشد تا بتوان مفهوم به طور مثال شاخصه «گسست از فرهنگ» را هم در آن شهر دنبال کرد و تغییرات فرهنگ قبل و بعد قابل مطالعه باشد (شهری با سابقه ۱۰ یا ۱۵ سال نمی تواند پاسخگوی شاخصه گسست از فرهنگ باشد). هم‌چنین از نظر ابعاد جمعیتی در آمار کشوری یک شهر متوسط محسوب شود و کلان‌شهر نباشد و البته جمعیتی در محدوده روستا هم نداشته باشد. در کلان شهرها معماری های نهاد هنری در دید عموم مردم (تجربه مستقیم) قرار دارد در حالی‌که در شهرهای خرد این تجربه غیرمستقیم است. بنابراین الگوپذیری از معماری نهاد هنری در این شهرها می‌تواند از طریق رسانه و سایر ارتباطات جمعی صورت گرفته باشد. این وضعیت به‌صورت تجربه غیرمستقیم در شهرهای خرد از طریق رسانه نهاد هنری معماری انتقال می‌یابد که بررسی این مسئله برای پژوهش حاضر مد نظر قرار گرفته است. نتیجه اینکه از میان شهرهای خرد شهر شاهرود به‌دلیل داشتن ویژگی‌های جامعه آماری دوم پژوهش و با در نظر گرفتن تجربه زیسته و تجربه حرفه‌ای نگارنده اول تحقیق، انتخاب گردیده که این امر نقش مهمی در مراحل مربوط به مصاحبه و مشاهدات میدانی از نزدیک داشته است. بناهای منتخب معماری‌های «عامه» بناهای مسکونی قشر مرفه شهر شاهرود است. زیرا همان‌طور که در پیش‌تر نیز اشاره شد، خانه‌های افراد متمکن و جلوه‌های معماری بناهای‌شان بیشترین تأثیر را بر معماری بناهای عامه دارد (گروت و وانگ، ۱۳۹۰: ۳۴۳) و قشر مرفه جامعه از «قدرت نمایش» و «الگوگذاری» بر سایر اقشار جامعه برخوردار است. حجم نمونه به روش میدانی و روش نمونه‌گیری مدل هدفمند بوده؛ بدین‌منظور با تشخیص شخصی، مراجعه به دفاتر معماران قشر مرفه شهر شاهرود و مناطق بالادست شهر، مصادیق انتخاب و بدین ترتیب بیست پرسشنامه مصور (مدل ارزشیابی) از کالبد بیرونی معماری خانه‌های «قشر مرفه» در اختیار هشت نفر از اساتید دانشگاه در رشته معماری و ترجیحاً دارای تخصص در امر مسکن قرار گرفته است[۲۳]. مروری بر فاکتورهای روش پژوهش در بخش کمی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مروری بر فاکتورهای روش پژوهش در بخش کمی

ابزار تحلیل داده ها	روش گردآوری داده ها	تکنیک گردآوری داده ها	متغیر وابسته	متغیر مستقل	جامعه آماری بناها	جامعه آماری پاسخ دهندگان	روش نمونه گیری
آزمون مقایسه میانگین	مطالعه اسنادی	پرسشنامه مدل ارزشیابی	کالبد بیرونی منتخب بناهای نهادهنری‌معماری	شاخصه های پیشنهادی امر نمایشی	بناهای مسکونی برگزیده مسابقات معماری	هشت نفر استاد دانشگاه در رشته معماری	مدل هدفمند: بناهای داخل بافت شهری بناها با تراکم متوسط
	روش میدانی	پرسشنامه مدل ارزشیابی	کالبد بیرونی بناهای عامه	شاخصه های پیشنهادی امر نمایشی	بناهای مسکونی قشر مرفه شهر شاهرود	هشت نفر استاد دانشگاه در رشته معماری	مدل هدفمند: تشخیص شخصی مراجعه به دفاتر معماران قشر مرفه مراجعه به مناطق بالادست شهر

ارزیابی و مقایسه شاخصه‌های امرنمایشی: برای ارزیابی شاخصه‌های پیشنهادی امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن منتخب معماری‌های نهاد هنری و عامه از آزمون مقایسه میانگین[۲۴] استفاده شده است. لازم به ذکر است که در آزمون مقایسه میانگین میان دو جامعه آماری بایستی چهار پیش‌فرض رعایت شود؛ الف) متغیری که میانگین آن در دو گروه مستقل مقایسه می‌شود باید کمی باشد، ب) مقیاس متغیری که در آن مقایسه انجام می‌شود باید کیفی و در سطح اسمی (دو وجهی) باشد، ج) متغیری که در آن مقایسه میانگین انجام می‌شود باید مستقل و از دو جمعیت متفاوت باشند، د) توزیع داده‌های متغیری که میانگین آن در دو گروه مستقل مقایسه می‌شود باید نرمال باشد (مرادی ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر سه شرط نخست برقرار است، اما بایستی در بخش پیش پردازش، شکل توزیع متغیرهای پژوهشی بررسی شده و مشخص شود که توزیع داده‌ها نرمال است. بدین ترتیب از آزمون چولگی یا کشیدگی و سپس جهت تدقیق بیشتر از آزمون شاپیرو- ویلک[۲۵] و دیگری آزمون کلموگروف- اسمیرنوف[۲۶] استفاده شده است. با توجه به تعداد ۲۰ عددی حجم نمونه، نخست چولگی بررسی شده که مطابق جدول ۲ در بازه ۲ و ۲- قرار داشته و بدین ترتیب توزیع داده‌ها نرمال است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

جدول ۲- بررسی میزان چولگی داده‌ها

		اسرافگر	اغواگر	نوگرایی	بازاری	منفرد	سلطه گر	گسست از فرهنگ
N	Valid	40	40	40	40	40	40	40
	Missing	0	0	0	0	0	0	0
Skewness		0.201	0.098	0.437	0.266	0.189	0.272	0.308
Std Error of Skewness		0.374	0.374	0.374	0.374	0.374	0.374	0.374
Kurtosis		-1.238	-0.205	0.351	-1.498	-0.824	-1.170	-1.486
Std Error of Kurtosis		0.733	0.733	0.733	0.733	0.733	0.733	0.733

درصورتی‌که مطابق تحلیل‌های استنباطی آزمون شاپیرو- ویلک و آزمون کلموگروف- اسمیرنوف در جدول ۳ بازه به ۱ و۱- تقلیل داده‌شود، داده‌ها نرمال نبوده و به‌همین جهت برای اطمینان بیشتر در اعتبار خروجی‌ها از هر دو آزمون «پارامتریک» و «ناپارامتریک» استفاده شده‌است.

جدول ۳- بررسی آزمون شاپیرو- ویلک و آزمون کلموگروف- اسمیرنوف داده‌ها

	آزمون کلموگروف- اسمیرنوف			آزمون شاپیرو- ویلک		
	Statistic	df	sig	Statistic	df	sig
اسرافگر	0.273	40	0.000	0.839	40	0.000
اغواگر	0.226	40	0.000	0.885	40	0.001
نوگرایی	0.321	40	0.000	0.827	40	0.000
بازاری	0.271	40	0.000	0.800	40	0.000
منفرد	0.259	40	0.000	0.852	40	0.000
سلطه گر	0.244	40	0.000	0.854	40	0.000
گسست از فرهنگ	0.246	40	0.000	0.806	40	0.000

یافته‌های تحقیق

برای فرض آماری توزیع نرمال داده‌ها از آزمون تی[۲۷] و برای تفسیر جداول مربوط به آزمون تی از آزمون لوین[۲۸] بهره‌گیری شده است. مطابق جدول مقدار sig در «اغواگری» و «منفرد» ۰.۲۶۷ و ۰.۰۹۸. بدست آمده است. چون میزان sig از مقدار ۰.۰۵ بزرگتر است پس می توان نتیجه گرفت که دو نمونه مورد نظر از نظر آماری با یکدیگر اختلاف معنی‌داری ندارند. به عبارت دیگر: «شاخص اغواگری و منفرد بودن در رویکرد و طراحی‌های منتخب هنری و حرفه‌ای با هم متفاوت نیست.» و «در پنج شاخص دیگر تفاوت معناداری در رویکرد و طراحی‌های هنری و حرفه‌ای وجود دارد». آزمون لوین با فرض نرمال بودن داده‌ها در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴- آزمون لوین برای تفسیر داده‌ها

		Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
اسرافگری	Equal variances assumed	9.913	0.003	-3.803	38	0.001	-1.10000	0.28928	-1.68562	-0.51438
	Equal variances not assumed			-3.803	30.476	0.001	-1.10000	0.28928	-1.69041	-0.50959
اغواگری	Equal variances assumed	0.939	0.339	-1.125	38	0.267	-.30000	0.26656	-0.83962	0.23962
	Equal variances not assumed			-1.125	36.928	0.268	-.30000	0.26656	-0.84013	0.24013
نوگرائی	Equal variances assumed	4.539	0.040	5.357	38	0.000	0.95000	0.17733	0.59101	1.30899
	Equal variances not assumed			5.357	33.372	0.000	0.95000	0.17733	0.58936	1.31064
بازاری	Equal variances assumed	12.052	0.001	-6.378	38	0.000	-1.70000	0.26656	-2.23962	-1.16038
	Equal variances not assumed			-6.378	26.849	0.000	-1.70000	0.26656	-2.24707	-1.15293
منفرد	Equal variances assumed	0.390	0.536	-1.696	38	0.098	-0.45000	0.26532	-0.98711	0.08711
	Equal variances not assumed			-1.696	36.791	0.098	-0.45000	0.26532	-0.98769	0.08769
سلطه گری	Equal variances assumed	10.614	0.002	-2.865	38	0.007	-0.90000	0.31414	-1.53594	-0.26406
	Equal variances not assumed			-2.865	29.847	0.008	-0.90000	0.31414	-1.54170	-0.25830
گسست از فرهنگ	Equal variances assumed	10.955	0.002	-6.596	38	0.000	-1.75000	0.26532	-2.28711	-1.21289
	Equal variances not assumed			-6.596	27.297	0.000	-1.75000	0.26532	-2.29411	-1.20589

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

آزمون من‌ویتنی[۲۹] با فرض آماری نرمال نبودن توزیع داده‌ها استفاده شده است. مطابق جدول ۶ مقدار sig. در "اغواگری" و "منفرد" ۰.۱۵۳ و۰.۰۹۲. بدست آمده است. چون میزان sig. از مقدار ۰.۰۵ بزرگتر است پس دو نمونه مورد نظر از نظر آماری با یکدیگر اختلاف معنی‌داری نداشته و بدین‌ترتیب با توجه به برابری نتایج دو آزمون پارامتریک و ناپارامتریک، صحت خروجی آزمون‌ها اثبات گردیده است. آزمون من‌ویتنی با فرض نرمال نبودن داده‌ها در جدول ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵- آزمون من‌ویتنی با فرض نرمال نبودن داده‌ها

	اسرافگر	اغواگر	نوگرایی	بازاری	منفرد	سلطه گر	گسست از فرهنگ
Mann-Whitney U	87.000	150.500	60.000	50.000	141.500	112.000	45.000
Wilcoxon W	297.000	360.500	270.000	260.000	351.500	322.000	255.000
Z	-3.229	-1.430	-4.254	-4.282	-1.686	-2.482	-4.391
Asymp.sig.(2-tailed)	0.001	0.153	0.000	0.000	0.092	0.013	0.000
Exact sig.[2*(1-tailed sig.)]	0.002b	0.183b	0.000b	0.000b	0.114b	0.017b	0.000b

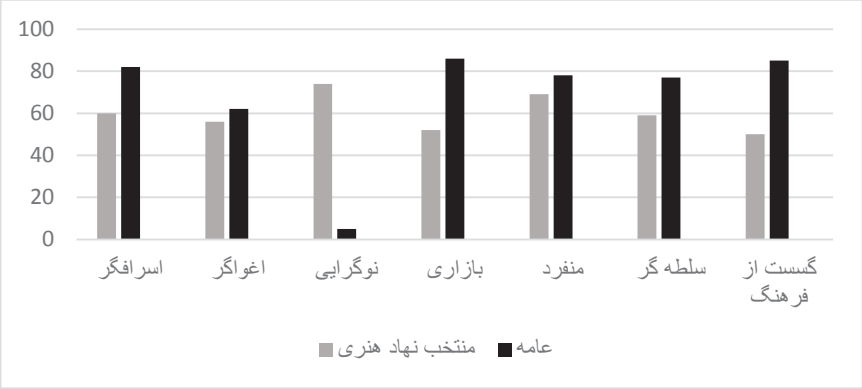
پس از اثبات صحت داده‌ها در دو آزمون پارامتریک و ناپارامتریک ارزیابی داده‌ها به تفکیک در دو حوزه انجام‌شده‌است. بدین‌ترتیب دو شاخصه «منفرد» و «نوگرایی» اثرگذارترین و شاخصه‌های «گسست از فرهنگ» و «بازاری» کم اثرترین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن منتخب معماری‌های نهاد هنری بوده است. اثرگذارترین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن عامه «گسست از فرهنگ» و «بازاری» و کم اثرترین شاخصه «نوگرایی» بوده است. تفاوت میانگین شاخصه‌های امر نمایشی بر دو حوزه منتخب در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- تفاوت میانگین شاخصه‌های امر نمایشی بر دو حوزه منتخب

	اسرافگر		اغواگر		نوگرایی		بازاری		منفرد		سلطه گر		گسست از فرهنگ	
N Valid	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
Missing	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
Mean	۴.۱	۳	۳.۱	۲.۸	۲.۷	۳.۷	۴.۳	۲.۶	۳.۹	۳.۴	۳.۸	۲.۹	۴.۲	۲.۵
Mode	۵	۳	۴	۳	۳	۴	۵	۳	۴	۳	۵	۳	۵	۲
Std.Deviation	۱.۱	۰.۶۴	۰.۹	۰.۷۶	۰.۴۴	۰.۶۵	۱	۰.۵	۰.۹	۰.۷۵	۱.۲	۰.۶۸	۱	۰.۵
Sum	۸۲	۶۰	۶۲	۵۶	۵	۷۴	۸۶	۵۲	۷۸	۶۹	۷۷	۵۹	۸۵	۵۰
	عامه	منتخب نهاد هنری	عامه	منتخب نهاد هنری	عامه	منتخب نهاد هنری	عامه	منتخب نهاد هنری	عامه	منتخب نهاد هنری	عامه	منتخب نهاد هنری	عامه	منتخب نهاد هنری

به‌طوری‌که دو شاخصه گسست‌ازفرهنگ و بازاری در بناهای منتخب حوزه هنری کم‌اثرترین و برعکس در بناهای منتخب معماری‌های عامه بیشترین اثرگذاری را داشته بدین معنا که «اثرگذارترین شاخصه‌ها بر کالبد مسکن معماری‌های عامه، کم‌اثرترین شاخصه بر کالبد بیرونی مسکن منتخب معماری‌های نهاد هنری به‌شمار آمده‌است». نمودار میله‌ای مقایسه شاخصه‌های امر نمایشی دو حوزه در تصویر ۳ آمده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]



تصویر ۳- نمودار میله‌ای مقایسه شاخصه‌های امر نمایشی برمنتخب بناهای نهاد هنری معماری و معماری‌های عامه

بحث و نتیجه‌گیری

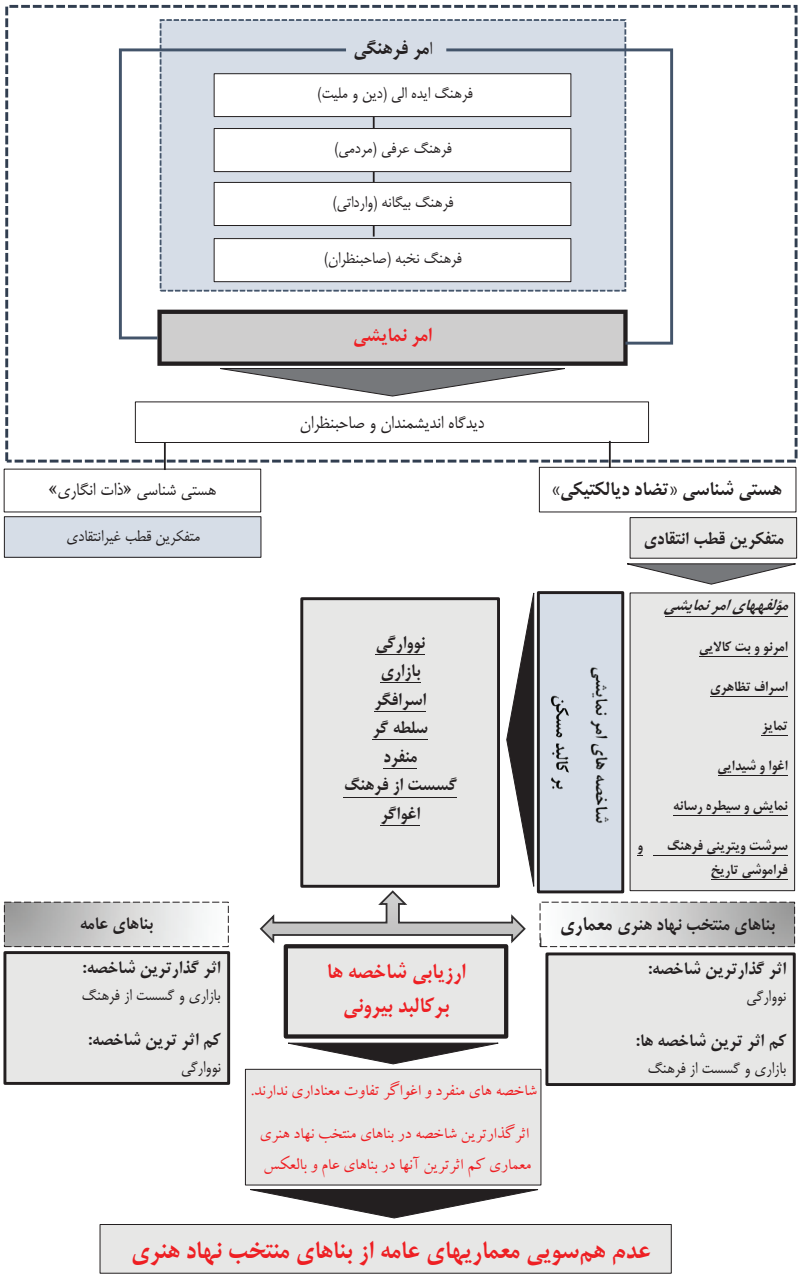
در این پژوهش مبتنی بر چارچوب‌نظری اندیشمندان انتقادی، تعداد هفت شاخصه‌ی امر نمایشی بر مسکن تبیین شده و سپس ارزیابی و مقایسه شاخصه‌های پیشنهادی دو جامعه آماری منتخب نهاد هنری معماری یعنی کالبد بیرونی بناهای برگزیده مسابقات معماری و جامعه آماری معماری عامه بناهای قشر مرفه شهر انجام پذیرفته است. ارزیابی شاخصه‌ها در معماری‌های عامه نشان‌می‌دهد که اثرگذارترین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن، دو شاخصه «گسست از فرهنگ» و «بازاری» بوده و کم اثرترین شاخصه «نوگرایی» می‌باشد. می‌توان گفت گرایش کالبد بیرونی بناها به سمت صفاتی چون «اغواگری» و «اسرافگری» و هم‌چنین سایر شاخصه‌ها جهت کسب امتیاز «انحصاری بودن» است. درباره شاخصه «گسست ازفرهنگ» می‌توان گفت فرهنگ زندگی، به‌خصوص زمانی که از دیدگاه طبقاتی بررسی شود، با خودش خرده‌فرهنگ‌هایی به‌همراه دارد و خرده‌فرهنگ‌ها در جامعه کوتاه مدت ایران به‌گونه‌ای است که همواره معماری آن برآمده از فرهنگ دوره و بازه زمانی خاصی است. خرده فرهنگ‌ها در قشر متمکن جامعه، در بازه زمانی کوتاه زنده بوده و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه که متغیر هستند، تغییر کرده و به‌واسطه آن یک خرده فرهنگ تولید یک نوع ریختار و سپس رفتار و نهایتاً یک نوع مدگرایی را جایگزین می‌کند. در جامعه ایران تغییر این خرده فرهنگ‌ها به‌قدری زیاد است که به حوزه معماری هم وارد شده و موجبات گسست فرهنگی را فراهم می‌سازد. در حوزه معماری عامه حتی اگر خاص بودن منجر به اسراف‌گری شود، برای مخاطب مسکن امروز ایران، معیارِ تعیین سلیقه و طرح برتر بوده و نشانه گران‌بهایی و متمایز بودن، هم‌ارزش با معنای زیبایی است! این‌که چیزی را خاص و متمایز جلوه دهیم و انحصاری از آن خود کنیم، رفته رفته تبدیل به نماد مسکن شده و در ادبیات بازاری مسکن امروز نیز وارد شده است؛ بدین معنا که مخاطب برای چیزی هزینه کند که دیگران ندارند، هرچند که آن هزینه از ضروریات نبوده و جنبه اسرافی داشته باشد. به‌طورمثال به تولید و تکثیر زیاد نماهای سبک رومی در بناهای قشر مرفه در دهه اخیر که منجر به تقلید و تکثیر زیاد آن در سایر اقشار جامعه نیز شده می‌توان اشاره نمود. در حالی‌که حتی یک بنا با این سبک در مسابقات معماری، برگزیده و یا دریافت کننده جایزه‌ای نبوده است.

بیشترین اختلاف معنادار میان گروه‌های منتخب نهاد هنری و عامه مربوط به شاخصه «نوگرایی» است. همان‌طور که گفته شد در کلان شهرها تجربه مستقیم از معماری های نهاد هنری وجود دارد. در شهرهای خرد این تجربه غیرمستقیم بوده و الگوپذیری از معماری نهاد هنری در این شهرها می‌تواند از طریق رسانه و سایر ارتباطات جمعی صورت گرفته باشد. شاخصه هایی چون «نوگرایی» در کلان شهر تهران تولید شده و مردم وقتی در تهران با این شاخص ها در بنا مواجه می‌شوند، مستقیما نوگرایی را در تهران مشاهده و دریافت می‌کنند. اختلاف معنادار میان مقایسه میانگین دو گروه در این شاخصه گویای گرته برداری شهرهای خرد از یک الگوی تولید شده و تکرار و تکثیر آن می‌باشد که فاقد نواوری است. به‌طوری‌که «منفرد» شدن بنا را با شاخص‌هایی چون گسست فرهنگ، بازاری و یا اسرافگری تأمین کرده و بنابراین متأثر از معماری نهاد هنری نبوده است.

در بناهای برگزیده مسابقات شاخصه‌های «منفرد» و «نوگرایی» اثرگذارترین و شاخصه‌های «گسست از فرهنگ» و «بازاری» کم اثرترین شاخصه‌ی امرنمایشی بر کالبد بیرونی مسکن بوده است. نتیجه این‌که اثرگذارترین شاخصه‌های امرنمایشی«بازاری» و «گسست از فرهنگ» در بناهای عامه، کم‌اثرترین شاخصه در بناهای برگزیده مسابقات معماری بوده و بالعکس. بدین‌معنا که به نظر می‌رسد معماری‌هایی که روند کلی و عمومی محیط مصنوع جامعه را تشکیل می‌دهند، تابع نظر نهاد هنری معماری جامعه نبوده و این نهاد در شکل‌دهی کالبد بیرونی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

مسکن، «میدان» لازم –به زعم بوردیو- برای تبعیت عامه از خود را ندارد. هرچند واکاوی علل این عدم هم‌سویی می‌تواند طرح پرسشی برای پژوهش‌های آتی به‌شمار آید. در پایان باید گفت بررسی نمونه موردی در این پژوهش برای «تعمیم» نظریه اصلی (هفت شاخصه امر نمایشی) و نه «تغییر» آن است و با نمونه موردی (به‌طور مثال شهر شاهرود) نظریه اثبات نمی‌شود. بدین معنا که در پژوهش حاضر با انتخاب شهرهای مختلف برای مسکن عامه، شاخصه‌های امر نمایشی تغییری نمی‌کنند و نگارندگان تنها ارجاع پذیری را در یک فضای همگن و کوچک مورد سنجش قرار داده‌اند و نمونه شهر انتخاب شده تنها برای بررسی و تحقیق «کارایی» نظریه بوده و در پی «اثبات» آن نیست. به‌طوری‌که می‌توان گفت شهری که قرار است با تهران مقایسه شود به هر میزان که فضای طبیعی و یا زمینه‌اش متمایز از تهران باشد، این مقایسه بهتر صورت می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان در پژوهش‌های آتی سایرشهرهای ایران واجد شرایط با بناهای برگزیده مسابقات پایتخت از نظر میزان اثرگذاری شاخصه‌های مقوله فرهنگی امر نمایشی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند. تبیین مقوله فرهنگی امر نمایشی و ارزیابی شاخصه‌های آن بر منتخب بناهای نهاد هنری معماری و معماری‌های عامه در مدل تحقیق تصویر ۴ آمده است.



تصویر ۴- ارزیابی شاخصه‌های امرنمایشی بناهای منتخب نهاد هنری و بناهای عامه در مدل تحقیق

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

منابع

- ابراهیمی‌نیا، س.، افشانی، س.، و روحانی، ع. (۱۳۹۷). از مصرف‌پایی تا حسرت مصرف. جامعه‌شناسی کاربردی. ۲۹(۴). ۱۲۳-۱۴۶.
- افشانی، س.، روحانی، ع.، و ابراهیمی‌نیا، س. (۱۳۹۷). زن در فرهنگ وهنر. ۱۰(۲). ۱۵۳-۱۷۵.
- باومن، ز. (۱۳۹۶). چاپ چهارم. اشارت‌های پست‌مدرنیته. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: ققنوس.
- بودریار، ژ. (۱۳۹۵). *جامعه مصرفی*. چاپ ششم. (پیروز ایزدی، مترجم). تهران: ثالث. (نشراثراصلی ۲۰۰۷).
- بوردیو، پ. (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: ثالث.
- تاج بخش، گ. (۱۳۸۳). والتر بنیامین: دگرگونی تجربه وخاطره درعصرجدید وکلان‌شهر مدرن. نشریه هنرهای زیبا، (۲۰) ،۵-۱۶.
- دبور، گ. (۱۳۹۲). جامعه نمایش: تفسیرهایی در باب جامعه نمایش. (بهروز صفدری، مترجم). تهران: آگه. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۷).
- ذکایی، م.، و امیدی، م. (۱۳۹۶). مدرنیته، شهر و مصرف. جامعه پژوهی فرهنگی. ۸(۲). ۲۳-۵۰.
- شصتی، ش.، فلامکی، م.، و جواهری پور، م. (۱۳۹۶). معماری مسکونی امروز شهر تهران و پروبلماتیک فرهنگ از منظری جامعه شناختی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۹(۲)، ۸۵-۱۰۶.
- شصتی، ش.، فلامکی، م. (۱۳۹۳). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۶ (۳)، ۱۱۷-۱۳۷.
- صابون‌چی، م.، ذبیحی، ح.، و ماجدی، ح. (۱۳۹۹). رویکرد نشانه‌شناختی به تحلیل فرم در معماری معاصر. معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۳ (۳۰)، ۱۳۹-۱۴۹.
- ظفرمندی، س.، و ایمانی، ن. (۱۳۹۴). معماری رومی در مقابل معماری بومی. صفه. (۷۱). ۲۸-۵۰.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۸). جاده‌ای صاف، برای تک‌تازی قلدری. آزما، (۱۳۶)، ۳۹-۴۱.
- فکوهی، ن.، سیاوش‌پور، ف.، والا، م.، امامی، م.، غزنویان، ز.، اجتهادنژادکاشانی، س.، و همکاران. (۱۳۹۵). انسان شناسی فرهنگی شهر تهران، (چاپ اول).تهران: تیسا.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۸). نگاهی انسان شناختی به نمای زیستگاهی. کوچه، (۱)، ۱۲-۱۵.
- قدسی، ع.، و مردان‌پور شهرکردی، ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و نشانه‌های اختلال شخصیت نمایشی در دانش‌آموزان. جامعه‌شناسی معاصر. ۱(۲). ۵۱-۶۹.
- کمالی، ز.، و اکبری، م. (۱۳۸۷). والتر بنیامین و هنر بازتولید پذیر. پژوهش‌های فلسفی. (۱۴). ۱۲۵-۱۴۶.
- گافمن، ا. (۱۳۹۶). نمود خود در زندگی روزمره. چاپ چهارم. (مسعود کیانپور، مترجم). تهران: نشرمرکز.
- گرونر، ی. (۱۳۹۲). جامعه شناسی سلیقه. (مسعود کیانپور، مترجم). تهران: مرکز.
- مرادی. (۱۳۹۵). آکادمی تحلیل آماری ایران، بازیابی ۹ اردیبهشت، ۱۳۹۷، از www.analysisacademy.com.
- ناری قمی، م.، تهرانی، س.، رجاء قمی، م.، عباس‌زاده، م.، و محلاتیان، ع. (۱۳۹۴). پارادایم‌های مسئله در معماری، (چاپ اول). تهران: مؤسسه علم معمار.
- وزیری، ه.، بهروان، ح.، و یوسفی، ع. (۱۳۹۱). مصرف نمایشی پوشاک و عوامل مؤثر بر آن. علوم اجتماعی. (۲۰). ۱۸۳-۱۹۸.
- گروت، ل.، و وانگ، د. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در معماری. (علی‌رضا عینی فر، مترجم). چاپ چهارم. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- Brown, D. S. (1973). Learning from pop. *The Journal of Popular Culture*, *7*(2), 387-401.
- Rowe, G., & Wright, G. (1999). The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International journal of forecasting*, *15*(4), 353-375.
- Venturi, R., Scott Brown, D., & Izenour, S. (1977). Learning from Las Vegas: the forgotten symbolism of architectural forms. *Venturi, DS Brown, S. Izenour*.
- William Jr, A. (Ed.). (2008). International encyclopedia of the social sciences.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

پی‌نوشت‌ها

۱- The presentational
۲- cultural performance
۳- Goffman
۴- Denise Scott Brown
۵- Learning from Pop
۶- Rationalist architecture
۷- Public architecture
۸- Robert Venturi
۹- Steven Izenour
۱۰- Original architecture
۱۱- Ordinary architecture
۱۲- Benjamin
۱۳- Veblen
۱۴- Blue Horizon City
۱۵- Sigmont Baumann
۱۶- Baudrillard
۱۷- Debord

۱۸- پژوهش حاضر در ادامه مقاله پژوهشی چاپ شده نگارندگان با عنوان «تبیین مؤلفه‌های امر نمایشی در نسبت با فرهنگ و معماری (مبتنی بر آراء اندیشمندان انتقادی و غیر انتقادی)» در مجله علمی پژوهشی «هویت شهر» انجام پذیرفته است.

۱۹- در چارچوب انتقادی، فرهنگ یک برساخته اجتماعی است و متفکرین این دستگاه به‌دلیل مخالفت بنیادی با ذات‌انگاری، راه ممکن هستی شناسی را از طریق «تضاد» می‌دانند.

۲۰- با نگاهی به معماری از دریچه نگرش فرهنگی اجتماعی، می‌توان تأثیرات تغییر در سبک زندگی و تغییر معیارها و شاخصه‌های برخواسته از فرهنگ مردمی را بر کالبد مسکن پیدا کرد. به زعم امینیان و عینی‌فر در کشور ایران به‌واسطه شرایط اجتماعی و اقتصادی، پول‌هایی وارد زندگی مردم می‌شود که یکی از راه‌های مصرف آن پرداختن به «تجمل‌گرایی» است. نکته مهم این‌که قشری از جامعه که قدرت تجمل‌گرایی دارند، به‌واسطه‌ی قدرت اقتصادی، در زمانی که به قدرت سیاسی نیز نزدیک شوند، هم قدرت «نمایش» و هم قدرت «الگوگذاری» بر سایر اقشار جامعه را پیدا می‌کنند. در میان اقشار مرفه، متوسط و ضعیف در جامعه ایران، «قشر مرفه» واجد دو شرایط ذکر شده می‌باشد. بنابراین سبک زندگی با طبقه اجتماعی رابطه مستقیم داشته و این‌دو بر شکل مسکن اثرگذار می باشند. مفهوم طبقه در یک سیر تاریخی با عوض شدن رویکردهای ذهنی و عینی و اضافه شدن سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی، جای خود را به مفهوم سبک زندگی داده است. امروزه برای تقسیم گروه‌های اجتماعی از مفهوم سبک زندگی به‌جای مفهوم طبقه استفاده می‌شود. سبک زندگی خود دارای معیارهای ارزشی رفتاری بوده که تجمیع آن‌ها شاخصه‌هایی را ایجاد کرده که این شاخصه‌ها مفاهیم هویتی در برداشته و به تعبیر بوردیو «تمایز» در آن نهفته است. تا زمانی که وحدت گروهی ایجاد شود و مفاهیم «منزلت اجتماعی» موجب شکل گیری قشربندیِ اجتماعی و اقتصادی گردد (ارتباط شخصی، ۱۰ آبان ۱۳۹۷).

۲۱- انصاری می‌گوید مفهوم فضایی با عنوان «اتاق پذیرایی» ماحصل این دوره تاریخی می‌باشد؛ فضایی که تا قبل از آن تعریفی نداشت. در خانه‌های اعیانی و کاخ‌ها فضایی با عنوان اتاق پذیرایی تعریفی نداشته و به بیانی همه فضاهای مسکن اعیانی مجهز و به اصطلاح لوکس بوده است. درحالی‌که فضای پذیرایی در مسکن قشر خرده بورژوا ظاهر می‌شود؛ فضایی که از مابقی فضاها مجهزتر بوده و نمایشی از ثروت در این فضا شکل می‌گیرد که مخصوص مهمانان بوده، و بقیه فضاها فاقد این میزان تجملات و نمایش ثروتمندی می‌باشد. با گذشت زمان این قشر به مرور قوت گرفته تا جایی‌که مجلس اعیان و عوام شکل می‌گیرد. عوام به تعبیری همین قشر خرده بورژوا است که اینک جایگاهی برای خود پیدا کرده و در سیاست مقابل اعیان می‌ایستد. مقوله اسراف و نمایش ثروت از این دوره تاریخی در اروپا نمایان شده و در کشور ایران نیز هرجا ثروت ناگهانی بدست آمده، این اتفاق رخ داده‌است. بدین معنا که هرگاه طبقه‌ای در جامعه ظهور کند که جایگاهش در میان سایر اقشار تعریفی نداشته باشد، ناگزیر برای تعریف خود سراغ طبقه بالاتر از خود رفته و به هم‌شکلی با طبقه فرادست می‌پردازد (ارتباط شخصی، ۱۲اسفند ۱۳۹۷).

۲۲- دسته‌بندی اولیه مدل مفهومی (نگرش اقلیمی، نگرش شکلی، نگرش تاریخی تکاملی، نگرش فضاگرا، نگرش معناگرا و نگرش فرهنگی اجتماعی) بر اساس کتاب سیری در مبانی نظری معماری دکترغلام‌حسین معماریان ارائه گردیده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

۲۳- لازم به ذکر است تعداد نیروی نخبه برای پاسخ‌دهی به سوالات بایستی حداقل ۷ و حداکثر ۱۵ نفر باشد، زیرا تعداد پـایین‌تـراز ۷ نفـر جامعـه آمـاری پاسخ‌دهندگان منجر به عدم پایایی و تعداد بیشتر از ۱۵ نفر جامعه آماری پاسخ‌دهندگان منجر به یکدستی پاسخ‌ها و عدم تمایز بین شاخصـه‌هـای متفـاوت می‌باشد (Rowe and Wright, 1999).

۲۴- Mean comparison test

۲۵- Shapiro-Wilk

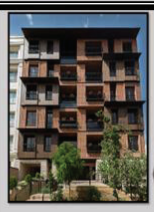
۲۶- Kolmogorov-Smirnov

۲۷- T-TEST

۲۸- Levene’s Test

۲۹- mann- whitney

پیوست ۱. بناهای مسکونی برگزیده و کسب کننده جوایز مسابقات کشوری معمار، تهران (منبع: نگارندگان با اقتباس از http://iranian-architect.ir)

شماره	نام پروژه	اندیشه طراحان	نام پروژه	شماره
۱.خانه آجر بافت		۱. ایجاد سایههای متنوع روی نما و کنترل نور، نمایی سهبعدی، عدم امکان ایجاد تراس و فضای منفی در نمای خارجی ، امکان دید به بیرون بدون دیده شدن با پوسته سهبعدی آجری مجوف (مشهدیمیرزا ، ۱۳۹۰). ۲. در بخشهایی از نما پوستهای نیمهشفاف و متخلخل و بعضاً قابل حرکت بر روی نما امکان تغییر موضعی پوسته جنوبی را به لحاظ دید و نورگیری مهیا میکند (ایلخانی و همکاران، ۱۳۹۳).		۲.خانه ایل خانی
۳.خانه شریفی ها		۳. چالش با مفاهیم گونههای درونگرا / برونگرا و انعطافپذیری و غیرقطعیت با حرکت اتاقهای چرخان . امکان ایجاد سناریوهای مختلف فصلی یا نوری برای فضاها (تنابنی، ۱۳۹۲). ۴.سه لایه اصلی در نما: اول مصالح آجر، فلز و شیشه جداکننده فضای داخل و خارج . دوم پنجرههای ارسی بر سیستم متحرک . سوم محل قرارگیری گلدانها (حیدری و صمدیان، ۱۳۹۲).		۴.ساختمان مسکونی مهر
۵.خانه چهل گره		۵. پیشروی آجر موجوف در لبه تراسها بهطوری که از داخل بیرون دیده میشود بدون اینکه از بیرون، فضای داخل دیده شود ، توجه به پتانسیل ارزانبودن نیروی کار ، استفاده از کارگر ساده و غیرمتخصص (مجدآبادی و مشهدیمیرزا ، ۱۳۹۳) ۴. خلق فضایی آرام، صمیمی، متواضع، و بدون هیاهو و پیچیدگی. مکعبهای آجری و چوبی متمدد نماینده زندگیهای مختلف جاری در کلیت بنا (جوانمرد، ۱۳۹۴).		۶.خانه گلدان
۷.آپارتمان خانوادگی اطلسی		۷. ایجاد خانهای برای یک خانواده گسترده، در قالبی امروزی، پارادوکس میان استقلال و وحدت واحدهای مسکونی با وجود یک حیاط میانی در دل مجموعه، سه واحد متفاوت، در تناسب با سن و روحیه هر یک از مالکین، اما همزبان و در پیوند با هم (مسعودی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳). ۸. تلفیقی از مصالح طبیعی چوب و فلز و سنگ در نما، گلدانهای سبز با آبیاری قطرهای نما را طبیعی و زنده میکند(دادور و دلاوریان، ۱۳۹۲).		۸.ساختمان مسکونی زعفرانیه
۹.ساختمان مسکونی خزر		۹. نمایش بیرونی بنا، محدود به بازی حجمی مختصر با تراسها، تغییر در خط آسمان و ایجاد الگوی هندسی جدید. تناسبات انسانی به نما با پوستهای مشبک از پنلهای چوبی تعدیل نور محیط (تندروی، ۱۳۹۴). ۱۰. در نظرگرفتن نیازهای زیستی انسان با توجه ویژهای به آب، گیاه و نور. کانسپت طراحی بنا فرم مدرن آرسی همراه با شیشههای رنگی، به صورت پوسته دوم و نقش سایهبان سای جداره نما. نمای ساختمان به صورت دوجداره، با چوب ترمو و شیشه رنگی (کیوانی و کیوانی، ۱۳۹۴).		۱۰.ارسی خانه

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]



پیوست ۲. بناهای مسکونی عامه قشر مرفه، شاهرود

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]

Critical evaluation of the presentational variables in artistic-architectural institution and the public architecture, (2008-2018)

Somaye Noura, Ph.D. Student in Architecture, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.
Hero Farkisch*, Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
Ahmad Mirza Kouchak Khoshnevise, Assistant Professor, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Iran.
Mohammad Taji, Assistant Professor, Department of Mining, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran.
Hossein Moradinasab, Assistant Professor, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 2021/8/8 *Accepted: 2022/5/30*

Introduction: Residential architecture is not only literal words based on specific arrays and techniques, rather, it is a kind of colloquial language in which social contradictions and distinctions are exhibited with the same oral language. The presentational variable is one of the influential factors in the architectural body. Nowadays, dramatic architecture in society as a public affair is a barrier to policy-making with a cultural challenge in the field of architecture. From the point of view of culturalism, presentational variables are associated with culture, while culture, affected by time and field, can be derived from each of the cultural layers or areas; ideological culture (Culture of specialist forces, books, and articles), custom culture (Common culture), elite culture (Imported culture) or foreign culture (Religion and Nationality). Perceiving the relation between the presentational variable and architecture is a part of perceiving the architecture-culture relation. On the other hand, the difference between academic and daily conversation is displayed in the form of the building's skin by entering the distinction which has shown itself in “language”. The explanation of this cultural category in the duality of opinion and action on today's exterior body of housing architecture will assist the audiences in understanding it more accurately in the direction of today's housing pathology. Therefore, in the present study, the indicators of the presentational variable have been explained and then investigated on the exterior body of contemporary Iranian housing.
Methodology: First, the seven proposed indicators of the presentational variables on the exterior body of a building have been explained according to variations of research literature and reasoning/qualitative analysis using the mixed method, and then the indicators and characteristics, in selected buildings from the domain of “artistic institution”, including selected buildings in architectural competitions, the domain of “public” architectures namely architectures of the artificial texture of society has been investigated using mean comparison test. Data collection for the statistical population of the first and second categories has been done by library and field methods, respectively, and the sampling model of both categories has been purpose.
Results: Among the seven indicators of the presentational variable (modernism, prodigal, isolated, dominant, bourgeois, seducer, rupture of culture), there has been a significant difference in five indicators among the buildings of these two domains; so the most effective indicators of the presentational variable in the first domain means indicators of "isolated" and "modernism" have been the least effective indicators in the second domain and conversely, indicators of "rupture of culture" and "bourgeois" have considered as the most effective indicators in the second domain while they have considered as the least effective indicators in the first domain.
Conclusion: This lack of congruence has revealed an incompatible situation as it seems that public architecture has not been subordinate to the selected buildings of institutions of society and this institution has not shown the required field – according to Bourdieu – in shaping the exterior body of housing in order to gain public obedience.
Keywords: The presentational, Critical thinkers, Housing, Selected building of architecture competitions, The public building.

* Corresponding Author’s E-mail: hero.farkisch64@gmail.com

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-22]